

Article topic: Political Functions of Satire on Iranian Social Media: A Case Study of Twitter and Telegram

Mohtaram Nazaryan¹

Mohammad Babaei^{*2}

Reza Khalili³

Abstract

In the contemporary era, social media platforms have become significant arenas for representing and critiquing political phenomena. Political satire, as a component of online culture, serves as a tool for criticizing power, circumventing censorship, and reflecting public concerns. This study aims to examine the functions of political satire in Iran's digital sphere by conducting a qualitative content analysis of satirical materials published on Twitter and Telegram. The data were collected from humorous posts related to three issues: negotiations with the United States, the energy imbalance crisis, and the hijab policy. The materials were analyzed using thematic analysis and text-mining techniques. Findings reveal that satire, through the use of metaphor, irony, exaggeration, and parody, fulfills functions such as criticizing authority, raising awareness, alleviating psychological pressure, and enabling soft resistance. In the political domain, themes such as the futility and performative nature of negotiations were prominent. In the economic domain, managerial inefficiency, unconventional policy solutions, and the gap between promises and practice were satirized. In the social domain, excessive regulation, implementation inconsistencies, and the commercialization of the hijab issue were most salient. Comparative analysis showed that social and economic satire tends to be more explicit than political satire, since citizens' experiences in these spheres are more immediate. Moreover, Twitter satire, due to textual limitations, is more concise and characterized by brevity and wordplay, while Telegram satire allows for more extended forms of narration. Ultimately, satire in Iran's social media extends beyond entertainment, functioning as a tool for shaping public opinion, interpreting crises, and articulating dissent in indirect forms.

Keywords: Satire, Political Satire, Social Media, Twitter, Telegram.

1 M.A. in Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: mohtaramnazaryannazaryan@gmail.com

2 Associate Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: Mohammadbabaei@Khu.ac.ir

3 Associate Professor, Department of Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: Rezakhilili1@khu.ac.ir

کارویژه‌های سیاسی طنز در شبکه‌های اجتماعی ایران: مطالعه موردی توئیتر و تلگرام

محترم نظریان^۱

محمد بابایی*^۲

رضا خلیلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی کارویژه‌های طنز سیاسی در فضای مجازی ایران، به تحلیل محتوای طنزهای منتشر شده در توئیتر و تلگرام پرداخته است. در عصر حاضر شبکه‌های اجتماعی به عرصه‌ای مهم برای بازنمایی و نقد پدیده‌های سیاسی تبدیل شده‌اند. طنز سیاسی به‌عنوان بخشی از فرهنگ آنلاین، ابزاری برای انتقاد از قدرت، دور زدن سانسور و بازتاب نگرانی‌های عمومی است. پرسش اصلی آن است که کاربران توئیتر و تلگرام چگونه از قالب‌های طنز برای مواجهه با موضوعات مطرح جامعه در این فضا بهره می‌گیرند؟ نوع پژوهش کیفی است و با روش تحلیل محتوای کیفی اجرا شده است. داده‌ها از متن پیام‌های طنز مرتبط با سه موضوع مذاکره با آمریکا، بحران ناترازی انرژی و طرح حجاب گردآوری و با تکنیک تحلیل مضمون و متن‌کاوی تجربه‌وتحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد کاربران در توئیترها و پست‌های خود با بهره‌گیری از قالب‌های استعاره، کنایه، اغراق و آبرونی، کارویژه‌هایی چون نقد قدرت، آگاهی‌بخشی، کم‌اثرسازی فشار روانی و مقاومت نرم را ایفا می‌کنند. در حوزه سیاسی، مضامینی چون بی‌فرجامی و نمایشی بودن مذاکرات برجسته شد. در حوزه اقتصادی، ناکارآمدی مدیران و راهکارهای نامتعارف به طنز کشیده شد و شکاف وعده و عمل آشکار گردید. در حوزه اجتماعی، افراط در قوانین، تناقض‌های اجرایی و تجاری‌سازی موضوع حجاب بیشترین نمود را داشت. مقایسه این یافته‌ها نیز نشان داد طنزهای اجتماعی و اقتصادی صریح‌تر از طنزهای سیاسی‌اند، زیرا تجربه مردم در این حوزه‌ها مستقیم‌تر است. همچنین، طنزهای توئیتر به دلیل محدودیت متنی، فشرده‌تر و مبتنی بر ایجاز و بازی‌های زبانی‌اند، در حالی که طنزهای تلگرام مجال برای روایت‌پردازی گسترده‌تر دارند. **واژگان کلیدی:** طنز، طنز سیاسی، فضای مجازی، توئیتر، تلگرام.

۱. دانش‌آموخته علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: mohtaramnazaryannazaryan@gmail.com

Email: Mohammadbabaee@Khu.ac.ir

Email: Rezakhilili1@khu.ac.ir

طنز سیاسی به‌عنوان گونه‌ای از ارتباطات انتقادی و سرگرم‌کننده، همواره یکی از مهم‌ترین شیوه‌های غیررسمی مردم برای مواجهه با قدرت، نقد سیاست‌ها و بازنمایی تناقضات اجتماعی بوده است (Chen et al, 2017: 3011). ویژگی اصلی طنز سیاسی، به‌کارگیری زبان غیرمستقیم و شوخ‌طبعانه برای بیان انتقادهایی است که امکان بیان آشکار آن‌ها در فضای رسمی فراهم نیست (مهرآوران و روانبخش، ۱۳۹۹: ۱۴۹). به همین دلیل در جوامعی که آزادی بیان محدود است، طنز سیاسی به‌مثابه ابزاری برای نقد و یا افشای ناکارآمدی‌های سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند و در بسیاری از موارد به بخشی از حافظه و فرهنگ عمومی بدل می‌شود (Shao & Liu, 2019: 517). در ایران نیز این سنت سابقه‌ای طولانی دارد؛ از نوشته‌های علی‌اکبر دهخدا در دوره مشروطه گرفته تا نشریات طنز دوره پهلوی و نمونه‌های معاصر آن، طنز سیاسی همواره بستری برای مقاومت در برابر گفتمان رسمی بوده است (قوام و تجبر، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

ظهور رسانه‌های اجتماعی مجازی در دو دهه اخیر، زمینه‌های جدیدی برای تولید و توزیع طنز سیاسی فراهم کرده است. به‌ویژه در ایران که رسانه‌های رسمی عموماً تک صدا و در کنترل حاکمیت هستند، فضای مجازی به بستری چندصدایی بدل شده که شهروندان در آن می‌توانند برداشت‌ها، انتقادها و حتی اعتراض‌های خود را در قالب طنز سیاسی بازنمایی کنند (حسینی و ذکایی، ۱۴۰۰: ۳۲). توییتر و تلگرام از جمله پلتفرم‌های پرکاربرد در ایران هستند که با توجه به قابلیت‌های تعاملی و سرعت بالای انتشار محتوا، به بستری برای بازنمایی خلاقانه مسائل روز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بدل شده‌اند (Casero-Ripolles, 2018: 45). این فضاها امکان بازتولید گفتمان انتقادی را فراهم کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که طنز سیاسی علاوه بر کارکرد سرگرمی، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی عمومی و نقد قدرت ایفا می‌کند (Fuchs, 2021: 53). با وجود این، پژوهش‌های اندکی به‌طور خاص به بررسی کارویژه‌های طنز سیاسی در شبکه‌های اجتماعی ایران پرداخته‌اند و اغلب مطالعات یا به‌صورت کلی به طنز سیاسی توجه داشته‌اند یا صرفاً نقش رسانه‌های اجتماعی را در بازتولید گفتمان‌های سیاسی بررسی کرده‌اند (Yang et al, 2015: 215) و این شکاف پژوهشی ضرورت انجام مطالعه‌ای دقیق در این حوزه را آشکار می‌سازد.

در شرایط کنونی ایران یعنی ایام سال ۱۴۰۳، طنز سیاسی در شبکه‌های اجتماعی نه صرفاً ابزاری برای خنداندن یا تخلیه هیجانی، بلکه نوعی کنش اجتماعی و سیاسی است. کاربران ایرانی در مواجهه با مسائل مهمی همچون «مذاکره با آمریکا» در عرصه سیاست خارجی، «ناترازی انرژی» در حوزه اقتصاد، و «طرح حجاب» در حوزه اجتماعی، از طنز برای بیان انتقاد، ابراز نارضایتی و حتی بازتعریف هویت جمعی بهره می‌گیرند. این نوع طنز، امکان دور زدن محدودیت‌های رسمی، ایجاد همبستگی اجتماعی و برجسته‌سازی ناکارآمدی‌ها را فراهم می‌کند. با توجه به دسترسی بسیاری از کاربران به تلگرام و توییتر، بررسی کارویژه‌های طنز سیاسی در این دو پلتفرم نه تنها می‌تواند به شناخت بهتر فضای افکار عمومی در ایران کمک کند، بلکه ظرفیت‌های جدید طنز به‌مثابه ابزاری برای مقاومت مدنی و گفتمان‌سازی را نیز آشکار می‌سازد. از خلال این طنزها می‌توان دریافت چگونه مردم، فراتر از محدودیت‌های رسانه‌ای رسمی، در حال بازآفرینی روایت‌های خود از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است نشان دهد طنز سیاسی در فضای مجازی ایران چه نقش‌هایی در بازنمایی تحولات روز دارد و چگونه می‌تواند در شکل‌گیری و هدایت افکار عمومی مؤثر واقع شود.

۱- پیشینه پژوهش

طنز پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشر دارد و ریشه تحلیل‌های آن به افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد. در ابتدا توجه اندیشمندان بیشتر بر خالق متون طنز بود، اما از نیمه دوم قرن بیستم تلاش شد تا طنز در قالب مفهومی مشخص و نظریه‌پردازی جامع تعریف شود (طاوولی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۴). طنز سیاسی به‌عنوان گونه‌ای از محتوای سرگرمی‌محور که هدف آن نقد سیاست، افشاگری و نقض

هنجارهای اجتماعی به شیوه‌ای ضمنی است، از زوایای متعدد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این‌جا برخی از مهمترین‌ها را در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی مرور می‌کنیم.

در یکی از اولین مطالعات صورت گرفته در این حوزه، صادقی (۱۳۹۶) در پژوهش «تحلیل محتوای طنز شبکه‌های اجتماعی در ایران، مطالعه موردی: تلگرام» نشان می‌دهد انگیزه‌های طنز در تلگرام بر اساس نظریه باستین و ریچی بیش از هر چیز، رهایی از تنش و قید و بند است، لذا بیشترین کارویژه طنز در این معنا، وجه سرگرمی و وقت گذرانی داشته است تا انتقادی. اما تربتی و مهدوی یکسال پس از آن (۱۳۹۷) در پژوهش «تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق هسته‌ای؛ بازنمایی توافق هسته‌ای در جوک فارسی» نشان می‌دهند این جوک‌ها بازنمایی‌های مثبت یا منفی از توافق را بازتولید می‌کنند. بازنمایی مثبت عمدتاً در راستای ایدئولوژی دولت یازدهم و بازنمایی منفی در چارچوب ایدئولوژی اصولگرایان بوده است. در این معنا جوک به‌مثابه نوعی ژانر زبانی، در خدمت چندصدایی و هژمونیک شدن گفتمان‌های قدرت قرار گرفته است. رضی‌پور (۱۴۰۱) هم در پژوهش «بررسی جامعه‌شناختی صفحات طنز اینستاگرامی» نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر اشکال متنوعی از طنز، به‌ویژه طنز تصویرمحور، در شبکه اجتماعی اینستاگرام گسترش یافته است. او نشان می‌دهد که این بستر مجازی امکان برقراری نوعی رابطه جدید میان صاحبان صفحات و دنبال‌کنندگان ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که مدیران صفحات با انتشار محتوای طنز، دیدگاه‌های اجتماعی و انتقادی خود را نیز بیان می‌کنند و مخاطبان نیز از طریق کامنت یا پیام (متنی و تصویری) احساسات و واکنش‌های خود را مستقیم ابراز می‌دارند. از سویی به بهانه تحولات دوران کرونا، مشعوف و کرمی رباطی (۱۴۰۱) در مطالعه «تحلیل محتوای جوک‌های بیماری کرونا در شبکه‌های اجتماعی واتس‌آپ و تلگرام» نشان دادند این جوک‌ها مضامین متنوع سیاسی-اقتصادی، خانوادگی، فردی، اوقات فراغت، بهداشتی-درمانی، جنسیتی و مذهبی-اعتقادی را در برمی‌گیرند که بیشترین آن‌ها مقولات سیاسی-اقتصادی و کوچکترین بخش مقولات مذهبی-اعتقادی است. همچنین مشخص شد بازتاب و پیامدهای منفی این جوک‌ها (مانند بی‌اهمیت جلوه دادن بیماری و کاهش حساسیت عمومی) بیش از کارکردهای مثبت آن‌هاست و احتمالاً بازتولیدشان سبب آسیب روانی افراد درگیر بیماری خواهد شد. مختاری و بهار (۱۴۰۰) هم در پژوهش «سنخ‌شناسی طنز مجازی ایرانیان با تأکید بر محتوای منتشرشده در دوران گسترش ویروس کرونا» با رویکردی بین‌رشته‌ای نشان دادند طنز در فضای مجازی هم حامل پیام‌های متنوع است و هم بازتابی از فرهنگ آن‌ها طنزهای منتشرشده در این دوران را به سنخ‌های سیاسی روزمره، سیاسی-مذهبی تابوشکن، اجتماعی-ارتباطی و عامه‌پسند طبقه‌بندی می‌کنند؛ اما، حسینی و ذکایی (۱۴۰۰) در پژوهش «سبک‌های نوشتاری توییت‌های انتقادی در میان کاربران ایرانی» که از جهاتی به مطالعه حاضر نیز نزدیک است، به دنبال شناسایی ویژگی‌ها و سبک‌های زبانی توییت‌های انتقادی، میان کاربران ایرانی نظیر بینامتنیت، پارودی، آیرونی، تخیل، تشبیه و غیره بوده‌اند؛ بر اساس یافته‌ها کاربرانی که توییت‌هایشان نشان می‌داد پیش‌زمینه‌ها و مطالعه‌های فراوانی دارند، ارجاعات بسیاری به متون دیگر داشتند؛ زبان طنز را انتخاب کرده و به تخیل و فانتزی علاقه‌مند هستند. ذکایی و ویسی (۱۴۰۰) هم در پژوهش «فهم ساختار عاطفی جامعه ایرانی از دریچه فضای مجازی: به‌سوی ارائه یک نظریه» به شکل کلی‌تری نشان دادند الگوهای رسوبی (اسطوره‌ای، خانوادگی و چالش با قدرت)، الگوهای مسلط (مانند امید عمومی و سیطره گفتمان رسمی) و الگوهای نوظهور (خودتحقق‌بخشی فردی، گسترش جامعه مدنی، خشم، اضطراب و شفقت‌ورزی) در این فضا شکل گرفته و ویژگی‌های تازه‌ای به ساختار احساس جامعه افزوده شده است.

در بین مطالعات خارجی نیز ائو و لیو^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه «پیامدهای سیاسی افشای طنز آنلاین در چین» نشان دادند که جوانان چینی در معرض طنز از گزاره بدبینی حمایت می‌کنند. در واقع مصرف طنز، اعتماد سیاسی مخاطبان و کارآیی سیاسی آن‌ها را کاهش و آن‌ها را از مشارکت در سیاست منصرف می‌کند. لذا از نظر آن‌ها انتشار طنز سیاسی می‌تواند در کوتاه‌مدت رژیم استبدادی را تثبیت کند اما در درازمدت باعث فرسایش آن می‌شود. به همین سان لی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهش «تأثیر طنز

1. Shao & Liu.
2. Lee.

تولید شده توسط کاربران آنلاین بر نگرش‌های سیاسی جوانان» نیز به نتایجی مشابه می‌رسد؛ او در می‌یابد قرار گرفتن در معرض طنز آنلاین به‌طور قابل توجهی با ماهیت ارزیابی نظام انتخابات مرتبط است، به این معنا که رابطه مثبتی بین صرف قرار گرفتن در معرض طنز آنلاین و نگرش انتقادی به سیستم انتخاباتی دیده می‌شود. این در حالی است که شناخت دقیق افراد و نیز برخورداری از دانش سیاسی این نگاه منفی را کاهش می‌دهد. سان آرسو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش «طنز سیاسی Mojok.co در انتخابات اندونزی ۲۰۱۹» دریافتند محتوای طنز Mojok.co به‌مثابه عناصری پشتیبانی‌کننده از نمایش تصویر عمل می‌کند تا مخاطب به راحتی پیام‌ها را درک کند. لوکیو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش «طنز سیاسی در رسانه‌های اجتماعی و سانسور در چین» نشان می‌دهد با توجه اعمال سیاست‌های سانسور از سوی دولت در رسانه‌های اجتماعی، طنزپردازان سیاسی به‌خاطر «خط قرمز» و با هدف کاهش ریسک سیاسی خودسانسوری کنند، آثار خود را رها کنند و خروجی خود را کاهش دهند. با این حال، طنز سیاسی به لطف اقدامات جمعی، مانند تولید، توزیع و به اشتراک‌گذاری با هویت‌های ناشناس، هنوز حیاتی قوی دارد. میلر^۳ (۲۰۱۷) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود «تحلیل بلاغی طنزهای سیاسی در حال ظهور در توئیتر» درمی‌یابد که این پلتفرم به‌واسطه چالش‌ها و راهبردهای خاص خود بر شکل و محتوای تولیدات طنز تأثیر می‌گذارد. یانگ و جیانگ^۴ (۲۰۱۵) در پژوهش «تمرین شبکه‌ای طنز سیاسی آنلاین در چین: بین آیین و مقاومت» با اشاره به این‌که طنز سیاسی آنلاین دارای معانی و کاربردهای متعددی است، گسترش آن در فضاهاى دیجیتال چین را ناشی از شرایط پیچیده و درهم‌تنیده سیاست، فناوری، تاریخ و فرهنگ این کشور توصیف می‌کند.

مرور این پژوهش‌ها البته از جهات بسیاری همانند ترسیم برخی جهت‌گیری‌ها و نیز بهره‌گیری از برخی یافته‌ها در راستای تقویت محتوایی پژوهش حاضر سودمند است؛ اما، همزمان نشان داد که مطالعه موضوعی و مصداقی در خصوص مطالعات طنز سیاسی در فضای مجازی دست‌کم کمتر مطالعه شده است. از این‌رو، مطالعه به شکل مصداقی آن هم در فضای جامعه ایران و در سال‌های متأخر نوعی تازگی و بداعت به آن می‌بخشد که ارزش توجه به این موضوع را نمایان می‌سازد.

۲- مبانی نظری

در ادامه برخی مفاهیم و نظریه‌هایی که مبنای نظری پژوهش را شکل می‌دهند را مرور می‌کنیم.

طنز: طنز مفهومی دیرینه در ادبیات و فرهنگ بشری است که از گفتار روزمره تا تصویر، موسیقی و فضای مجازی را در برمی‌گیرد. در لغت به‌معنای طعنه و تمسخر آمده و در اصطلاح، هنری است انتقادی و خنده‌آور که با هدف اصلاح اجتماعی یا بازاندیشی در اندیشه‌ها به کار می‌رود (میرصادقی، ۱۳۷۳). پژوهشگران آن را گاه محصول «غریزه اعتراض» دانسته‌اند (پلارد، ۱۳۷۸: ۳۳) و برخی همچون کمیجانی (۱۳۸۸) میان طنز روشن- تقویت‌کننده ارزش‌های اخلاقی- و طنز سیاه- هنجارشکن و نقض‌کننده- تمایز قائل شده‌اند (کمیجانی: ۲۱). ترجمه طنز نیز به دلیل پیوند عمیق با فرهنگ و زبان دشوار است و همین امر سبب تمایز میان طنزهای فرهنگ‌محور و زبان‌محور می‌شود (حری، ۱۳۷۸: ۲۳). در سنت اندیشه غربی نیز ارسطو، کمدی را تقلیدی از کردارهای زشت معرفی کرد که مایه خنده است (ارسطو، ۱۳۴۳)، سويفت طنز را «آینه‌ای» دانست که چهره دیگران را بازمی‌تاباند، و فروید آن را اجتماعی‌ترین فعالیت روانی خواند که تنها در تعامل با دیگران معنا می‌یابد (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۴). در مجموع می‌توان گفت طنز هنری است که با آشکار کردن عدم تناسب در مناسبات اجتماعی، خنده را با نقد اجتماعی درهم می‌آمیزد و به شیوه‌ای ظریف اما نافذ به بازاندیشی در باورها و رفتارها می‌انجامد.

1. Sunarso.
2. Luqiu.
3. Miller.
4. Yang & Jiang.

ویژگی‌های طنز: طنز از نظر ساختاری به سه گونه تقسیم می‌شود: طنز، عبارتی که در قالب جمله یا ضرب‌المثل و بازی‌های زبانی بیان می‌شود؛ طنز، مضمونی که در روایت‌ها و لطیفه‌های شفاهی و مکتوب دیده می‌شود؛ و طنز، موقعیتی که بر صحنه و رفتار متکی است و سایر عناصر در خدمت آن قرار می‌گیرند (معینی، ۱۳۹۶: ۱۷). مهم‌ترین ویژگی طنز، اجتماعی بودن آن است و طنزنویس با توجه به زمان و مکان تولید اثر، نقض گفتمان‌های غالب را دنبال می‌کند (خسروی و امینی، ۱۳۹۹: ۴۱). به‌طور کلی، طنز چهار عنصر اصلی دارد: ۱) احساس درد و نفرت از مفاسد اجتماعی که طنزپرداز را به نقد جامعه و مسئولان وامی‌دارد؛ ۲) نیشخند و استهزاء که حقایق تلخ را در پوشش خنده مطرح می‌کند؛ ۳) بیان هنری متکی بر اغراق، کنایه و استعاره که ضمن ایجاد شگفتی، ذهن مخاطب را به واقعیت‌ها معطوف می‌سازد؛ و ۴) هدف اصلاحی و انتقادی طنز که با بی‌اعتبار ساختن عوامل فساد و ستم، در پی ساختن جامعه‌ای بهتر است (بهزادی، ۱۳۹۹: ۱۷-۲۱).

انگیزه‌های طنزگویی: طنز و لطیفه‌ها محصول یک عامل واحد نیستند بلکه از انگیزه‌ها و دلایل متنوعی سرچشمه می‌گیرند. به باور فروید، لطیفه‌ها بیان امیال سرکوب‌شده در قالبی غیرمستقیم هستند؛ در حالی که، نظریه «برتری‌جویی» طنز را ابزاری برای وارونه‌سازی موقت مناسبات قدرت می‌داند. همچنین عواملی چون دومی‌نایی، تناقض‌گویی، پایان غیرمنتظره و عدم تناسب از علل اصلی شکل‌گیری طنز محسوب می‌شوند (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۵). انگیزه‌های طنز را می‌توان به سه دسته روانی (مانند حرص و حسادت)، اجتماعی (ناتوانی در برابر زورگویان یا قدرشناسی جامعه) و سیاسی (ظلم، خفقان و نبود آزادی) تقسیم کرد (بهزادی، ۱۳۷۸). از منظر کارکرد، طنز ابزاری برای کاهش فشارهای روانی، افزایش آگاهی اجتماعی، مبارزه مسالمت‌آمیز با زشتی‌ها، بیداری مقصران و نیز حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی جامعه است. به همین دلیل طنزپرداز را می‌توان «مورخ راستین روزگار خویش» دانست (شهبازی، ۱۳۹۳: ۶۱).

طنز مجازی: طنز مجازی در ایران ریشه در دوران وبلاگ‌نویسی دارد و ویژگی‌های آن شامل دسترسی مستقیم به لایه‌های شخصیتی قشر جوان، خلق قالب‌های نو، بازتاب موضوعات روز، تبادل آزاد تجربه، سرعت بالای انتقال پیام و نقش سوپاپ در نبود تریبون رسمی بوده است (مختاری و بهار، ۱۴۰۰: ۸۵). این ویژگی‌ها در شبکه‌های امروزی مانند تلگرام، توئیتر و اینستاگرام نیز ادامه یافته‌اند، هرچند تغییراتی مانند صوتی و تصویری شدن محتوا و افزایش چشمگیر مخاطبان رخ داده است. بازدیدهای وبلاگ‌ها در دهه هشتاد محدود به چند هزار مورد بود، در حالی که پست‌های اینستاگرامی به میلیون‌ها بازدید می‌رسند. محتوای اینستاگرام و تلگرام نسبت به توئیتر و وبلاگستان بیشتر جنبه سرگرمی و تجاری دارد، اما همچنان نقش مهمی در حوزه عمومی ایفا می‌کند و موضوع جذابی برای مطالعات جامعه‌شناختی و ارتباطاتی محسوب می‌شود.

طنز سیاسی: نوعی طنز است که با استفاده از داستان‌ها و محتوای سیاسی، هم به سرگرمی مردم می‌پردازد و هم امکان نقد غیرمستقیم نهادهای قدرت را فراهم می‌کند؛ به‌ویژه، در شرایطی که مخالفت با حکومت به‌صورت مستقیم ممنوع است (Becker, 2020: 274). این نوع طنز با انسداد سیاسی گره خورده و اغلب از سوی نهادهای حاکم محدود می‌شود (خسروی و امینی، ۱۳۹۹: ۱۸۸). طنز سیاسی بر اساس طبقه‌بندی ساتیانارایانا (۲۰۰۷) شامل اشکال مختلف طنز توهین‌آمیز است و هدف آن تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی یا اقناع مخاطب است. این نوع طنز شامل انواع طنز اقتصادی، نژادی، جنسیتی یا فرهنگی است که در بستر سیاسی ایجاد و ارائه می‌شود.

گفتمان سیاسی و طنز سیاسی: گفتمان سیاسی به‌معنای فعالیت‌های پیچیده انسانی است که در قالب‌های مختلفی مانند سخنرانی‌ها، مناظره‌ها، پوسترها و متون علمی نمود می‌یابد و ادراک مردم از مفاهیم سیاسی را شکل می‌دهد (Chilton & Schaffner, 1997)؛ همچنین بر اساس زبان و شیوه‌های گفتمانی، ساختار و فهم گفتمان تعیین می‌شود (Jones & Wareing, 1999). گفتمان سیاسی دارای کارکردهای استراتژیک از جمله اجبار، مقاومت، تقلید، مشروعیت‌بخشی، بازنمایی و ارائه نادرست است (Chilton, 2004). طنز سیاسی به‌عنوان بخشی از گفتمان سیاسی، امکان بیان غیرمستقیم انتقاد و اعتراضات اجتماعی را فراهم می‌کند و می‌تواند



در تغییرات اجتماعی نقش داشته باشد (Halsall, 2002). همچنین طنز سیاسی می‌تواند پیام‌های سیاسی را با ابهام و شوخ‌طبعی منتقل کند و بار اجتماعی آشکار یا پنهان آن را کاهش دهد (Peifer, 2012)؛ از این‌رو، افراد و گروه‌ها را برای اهداف سیاسی خاص بسیج و متحد می‌سازد (Hart, 2007). این نوع طنز هم به‌عنوان ابزار بیان انتقاد و هم به‌منظور تقویت هویت جمعی و همبستگی در میان فعالان اجتماعی و سیاسی عمل می‌کند و در جوامع دموکراتیک و دولت‌های سرکوبگر، کاربرد مؤثری دارد (Shehata, 1992; Paletz, 1990; Hart, 2007).

نظریه‌های طنز: در سال ۱۹۰۲، لودویک دوگاس اظهار داشت که هر نظریه خنده، بر اساس فلسفه‌ای شکل گرفته است (Billing, 2005). بر این اساس، فیلسوفان مختلف تلاش کرده‌اند ماهیت طنز و دلایل خنده‌آور بودن آن را توضیح دهند، اگرچه نظریه ناسازگاری بیشتر مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال، ارائه یک نظریه واحد که تمام مصادیق خنده را توضیح دهد، دشوار است. نظریه‌های معاصر طنز عمدتاً بر سه نظریه کلاسیک بنا شده‌اند: نظریه برتری یا تفوق، نظریه ناسازگاری یا ناهماهنگی، و نظریه آرامش یا رهایی (Attardo, 1997). این سه نظریه به‌عنوان خانواده‌های اصلی طنز شناخته می‌شوند و دامنه وسیعی از طنز را در زمینه‌های شناختی، اجتماعی و روانکاوی شامل می‌شوند.

جدول ۱. سه خانواده نظریه‌های طنز

شناختی	اجتماعی	روانکاوی
	خصومت	
	پرخاشگری	آرامش / رهایی
ناسازگاری	برتری / تفوق	تصعید / الایش ^۱
تضاد	استیلا	آزادی
	تمسخر	اقتصاد
	تحقیر	

مأخذ: (Attardo, 1994: 47)

نظریه برتری / تفوق: ریشه نظریه برتری طنز را تا اندیشه‌های افلاطون و ارسطو عقب برده‌اند، اما امروزه بیشتر به نام فیلسوف انگلیسی توماس هابز شناخته می‌شود (Critchley, 2002). این نظریه بر اساس این فرض استوار است که خنده وقتی رخ می‌دهد که فرد خود را برتر از دیگران ببیند و نشاط حاصل از این حس برتری به خنده منجر شود. هابز تمرکز خود را بر شوخی‌ها و طنزهایی گذاشته که به ریشخند، تمسخر و عیب‌جویی می‌پردازند. احمد اخوت بیان می‌کند که لطیفه یا صحنه‌ای ما را می‌خنداند که بتوانیم موقتی بر فرد یا گروه مسلط بر خود چیره شویم و هرچه آن گروه منفورتر باشد، لذت خنده بیشتر است (اخوت، ۱۳۷۱). همچنین سویفت معتقد است طنز خنده‌دار است چون دیگران به جز خود قربانی آن می‌شوند، و لوناچارسکی توضیح می‌دهد که خنده طنز، خنده ستم‌کشیده‌ای است که دشمن را شکست داده اما از نظر سیاسی ناتوان است و همین تضاد، طنز را هم شادمانه و هم خشمگین می‌کند (Lunacharsky, 1972). به این ترتیب، لذت طنز در حس برتری و مبارزه جبرانی فرد مقابل سلطه‌گران نهفته است.

نظریه ناسازگاری / ناهماهنگی: نظریه ناسازگاری طنز به بررسی‌های زبان‌شناسی آن مربوط می‌شود و بر مفهوم تجانس و عدم تجانس تأکید دارد؛ یعنی وقتی اجزای یک رویداد یا موضوع با الگوی طبیعی خود هماهنگ نباشند، رویداد نامتجانس محسوب می‌شود. بر اساس این نظریه، خنده ناشی از عدم تجانس کلامی است؛ متن ابتدا انتظاراتی را در خواننده ایجاد می‌کند و در انتها مشخص می‌شود که این انتظارات نادرست بوده و واقعیت چیز دیگری است (Attardo, 2008). نظریه ناسازگاری با نظریه «از کار اندازی» شافه شباهت دارد، زیرا شافه طنز را وسیله‌ای برای برهم ریختن خطوط فکری نویسنده می‌داند. این نظریه دو مرحله دارد:

۱. یکی از سازوکارهای دفاعی فروید که در آن اهداف یا اعمال اجتماعی پذیرفتنی، جایگزین اهداف و اعمال ناپذیرفتنی و زیانبار اجتماعی می‌شود.

ایجاد عدم تجانس و رفع نسبی آن، اما هرگز عدم تجانس به طور کامل رفع نمی‌شود و اغلب طنز با شوخی یا حتی سفسطه، به نوعی رفع جزئی تجانس را نشان می‌دهد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه‌های روانکاوی (نظریه آرامش / رهایی): این نظریه، که بسط نظر اسپنسر توسط فروید در کتاب «لطیفه و ارتباطش با ناخودآگاه» است، بیان می‌کند که طنز باعث آزادسازی انرژی روانی سرکوب شده، به‌ویژه نسبت به تابوهای جنسی می‌شود (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۸). فروید شوخی را به دو دسته سهوی و عمدی تقسیم کرده و تکنیک‌هایی مانند ادغام، دومعنایی، جابه‌جایی و بی‌معنایی را معرفی می‌کند (حری، ۱۳۷۸: ۴۰). هایدگر نیز طنز را نوعی رهاشدگی می‌داند که وقتی انتقاد آشکار امکان‌پذیر نیست، انرژی انباشته را آزاد می‌سازد (حری، ۱۳۷۸: ۹۲).

تکنیک‌های طنزپردازی: این تکنیک‌ها نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) شگردهای بلاغی: شامل تشبیه، استعاره، استخدام، ضرب‌المثل، کنایه، تلمیح، آرایه‌های معانی و آبیرونی. کنایه به دلیل بسامد کاربرد، مشخصه اصلی طنزهای سیاسی-اجتماعی محسوب می‌شود (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

ب) شگردهای زبانی: تعابیر و کلمات طنزآمیز، هنجارگریزی، نقیضه‌گویی و نام‌دهی. هلیتزر معتقد است برخی کلمات به خودی خود بار طنزآمیز دارند (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۲۷۰).

ج) سایر شگردها: استفاده از قالب بحر طویل، شرح‌نویسی، اجتماع نقیضین، چستان، توجیه وارونه، تیپ‌سازی، نمادسازی و کاریکاتور.

۳- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع آن با رویکرد کیفی و توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. این روش امکان مطالعه عمیق پدیده‌ها و درک جنبه‌های نهفته آن‌ها را فراهم می‌کند و با ترکیب روش‌های مختلف، سوگیری‌های هر روش کاهش می‌یابد. تحقیق به‌صورت دورانی انجام می‌شود، به این معنا که جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها هم‌زمان و با بازاندیشی مستمر صورت می‌گیرد. ابتدا مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی برای آشنایی با ادبیات موضوع انجام شد و سپس بانک اطلاعاتی طنز سیاسی در فضای مجازی با تمرکز بر توئیتر و تلگرام در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تهیه گردید. داده‌های گردآوری شده با استفاده از تحلیل مضمون کدگذاری و دسته‌بندی شدند و چارچوب ذهنی پژوهشگر بر اساس مفاهیم استخراجی توسعه یافت. در این فرآیند مفاهیم استخراج شده به تم‌های فرعی و اصلی تقسیم و روابط میان آن‌ها شناسایی شد تا تحلیل نهایی حاصل گردد. برای تضمین روایی و پایایی پژوهش، داده‌ها از منابع مختلف جمع‌آوری و تحلیل شدند، بازبینی مداوم صورت گرفت، نمونه‌هایی از داده‌ها مجدد کدگذاری و کلیه مراحل تحقیق مستندسازی شد تا قابلیت تکرار و تأیید یافته‌ها فراهم گردد. در نهایت، تحلیل تم‌ها و بررسی روابط میان آن‌ها، کارویژه‌های طنز سیاسی در فضای مجازی ایران را در سه حوزه مذکور تبیین می‌کند. جدول ۲ محاسبه پایایی پژوهش را ارائه می‌کند.

۲. جدول محاسبه پایایی

ردیف	موضوع طنز	درصد توافقات	درصد عدم توافقات	پایایی آزمون
1	طنز سیاسی (مذاکرات)	٪ ۸۷	٪ ۱۳	٪ ۸۷
2	طنز اقتصادی (انرژی)	٪ ۸۴	٪ ۱۶	٪ ۸۴
3	طنز اجتماعی (حجاب)	٪ ۸۹	٪ ۱۱	٪ ۸۹
میانگین درصد توافق				٪ ۸۶/۷

نتایج حاصل از بررسی پایایی نشان می‌دهد که میانگین درصد توافق بین دو مرحله کدگذاری ۸۶/۷ درصد بوده که بالاتر از حد مطلوب ۸۰ درصد قرار دارد و بنابراین پایایی پژوهش تأیید می‌گردد.

تحلیل داده‌های کیفی پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون

در ادامه به تحلیل طنزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منتشرشده در پلتفرم‌های توییتر و تلگرام پرداخته می‌شود تا پیام‌های نهفته در این محتوا آشکار گردد. مجموعه‌ای از پیام‌های طنز با محوریت مذاکره با آمریکا، ناترازی انرژی و طرح حجاب گردآوری و بررسی شده است. الگوهای معنایی و عبارات کلیدی موجود در این پیام‌ها استخراج گردیده تا بازتاب نگرش‌ها و احساسات جامعه در برابر این موضوعات تبیین شود.

موضوع سیاسی: مذاکره با آمریکا

جدول (۳) نتیجه تحلیل مضمون پیام‌های طنز سیاسی با موضوع «مذاکره با آمریکا» را ارائه می‌دهد. در این جدول، ستون نخست، مضامین اصلی را نشان می‌دهد که الگوهای کلی استخراج‌شده از پیام‌ها هستند. ستون دوم، مضامین فرعی را مشخص می‌کند که زیرمجموعه‌های جزئی‌تر هر مضمون اصلی را تبیین می‌نماید. ستون سوم، تعداد تکرار هر مضمون فرعی را در مجموعه پیام‌ها نشان می‌دهد که اهمیت نسبی آن مضمون در گفت‌وگو طنز سیاسی مرتبط با مذاکرات را بازتاب می‌دهد. در این تحلیل، ۲۷ پیام طنز از محتوای منتشر شده در پلتفرم‌های توییتر و تلگرام انتخاب و بررسی شده است. این پیام‌ها بر اساس معیارهایی نظیر ارتباط مستقیم با موضوع مذاکره با آمریکا، وجود عناصر طنزآمیز و تنوع در مضامین مرتبط با گفت‌وگو سیاسی گزینش شدند. فرآیند انتخاب شامل جست‌وجوی هدفمند در بازه زمانی مشخص و غربالگری پیام‌ها برای اطمینان از انطباق با اهداف پژوهش بود. تعداد ۲۷ پیام به این دلیل تعیین گردید که تحلیل اولیه، کفایت نظری داده‌ها را تأیید کرد و الگوهای معنایی تکرارشونده به‌طور کامل شناسایی شدند. افزایش تعداد پیام‌ها به دلیل محدودیت‌های زمانی و لزوم تمرکز بر تحلیل عمیق مقدور نبوده و کاهش آن نیز به دلیل احتمال حذف مضامین کلیدی مناسب تشخیص داده نشد.

جدول ۳. مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده (مذاکره با آمریکا)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعداد تکرار
بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات	طولانی شدن بدون نتیجه	6
	تکرار مداوم بدون پیشرفت	5
تشبیهات روزمره	مقایسه با بازی و سرگرمی	4
	مقایسه با خواستگاری و روابط	2
	مقایسه با غذا و خوراکی	5
تضاد و تعارض منافع	مقایسه با سریال و برنامه‌های تلویزیونی	3
	ناسازگاری اهداف	3
نمایشی بودن مذاکرات	اختلاف دیدگاه بنیادین	4
	حواشی بیشتر از متن	3
مذاکره غیرمستقیم (کنایی)	ظواهرسازی و تشریفات	3
	پینگ‌پنگ دیپلماتیک با واسطه	3
نقد رویکرد داخلی	دوری از ارتباط مستقیم	2
	طنز کارشناسان داخلی	2
روابط قدرت (کنایی)	واکنش مردم به اخبار مذاکرات	3
	چالش‌های موضع قدرت	3
	نمایش زورآزمایی دیپلماتیک	3

۱. تمام پیام‌های طنز تحلیل‌شده در بخش «موضوع سیاسی؛ مذاکره با آمریکا» به‌صورت جداگانه در بخش ضمایم پژوهش ارائه گردیده است.

این بخش نشان می‌دهد که گفتمان طنز سیاسی درباره مذاکره با آمریکا بیشتر بر «بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات» تأکید دارد و ناکامی و چرخه بی‌نتیجه آن را برجسته می‌سازد. در کنار آن، «تشبیهات روزمره» با استفاده از استعاره‌هایی مانند بازی، روابط عاطفی یا خوراکی، مذاکرات را ساده و گاه مضحک جلوه داده و نقدی کنایی ارائه می‌کند. همچنین مضامینی چون «تضاد منافع» و «نمایشی بودن مذاکرات» به ناسازگاری اهداف طرفین و جنبه‌های ظاهری و تشریفاتی آن اشاره دارند. موضوعاتی نظیر «مذاکره غیرمستقیم»، «نقد رویکرد داخلی» و «روابط قدرت» نیز به واسطه‌گری، واکنش‌های مردمی و رقابت‌های قدرت طلبانه می‌پردازند. در مجموع، طنز سیاسی در این حوزه بازتابی از انتقادات اجتماعی و ابزاری برای تقویت گفتمان انتقادی در فضای مجازی است.

موضوع اقتصادی: ناترازی انرژی

در جدول (۴) نتیجه تحلیل مضمون‌های پیام طنز در خصوص موضوع «ناترازی انرژی»^۱ است. با بررسی دقیق پیام‌ها، الگوهای معنایی مشترک شناسایی شده و در قالب مضامین اصلی و فرعی سازماندهی شده‌اند. تعداد دفعات تکرار هر مضمون فرعی نشان‌دهنده اهمیت و برجستگی آن در طنزهای مرتبط با بحران انرژی است.

جدول ۴. مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده (ناترازی انرژی)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعداد تکرار
	استفاده از انرژی‌های جایگزین طنزآمیز	7
راهکارهای نامتعارف	راه‌حل‌های غیرعملی	5
	خودکفایی نمایشی	3
	ناکارآمدی مدیران	6
نقد مدیریت انرژی	تناقض‌های گفتاری و عملکردی	4
	تعطیلی به جای حل مسئله	3
	مشکلات خانوادگی	2
تأثیر بر زندگی روزمره	محدودیت‌های مصرف	4
	تغییر سبک زندگی اجباری	3
	مقایسه با رویدادهای فرهنگی	3
تشبیهات و استعاره‌ها	مقایسه با مفاهیم خانوادگی	2
	مقایسه با صنایع دیگر	2
	مواجهه شخصی با قطعی برق	3
طنز موقعیت	گرانی و فشار اقتصادی	3
	تناقض‌های رفتاری	3

این بخش نشان می‌دهد که طنزهای مرتبط با ناترازی انرژی بیشتر بر «راهکارهای نامتعارف» و نقد ناکارآمدی مسئولان تمرکز دارند و با به‌سخره گرفتن پیشنهادهای غیرعملی و وعده‌های بی‌ثمر، ناتوانی مدیریتی را برجسته می‌سازند. در کنار آن، «تأثیر بر زندگی روزمره» با اشاره به خاموشی‌ها، محدودیت‌ها و فشارهای خانوادگی، واقعیت‌های ملموس بحران را در قالبی طنزآمیز بازتاب می‌دهد. استفاده از «تشبیهات و استعاره‌ها» بحران را به مفاهیم ساده و قابل درک تقلیل می‌دهد و «طنز موقعیت» نیز با نمایش تناقض‌های رفتاری میان مردم و مسئولان، نقد اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند. در مجموع، این مضامین با زبان طنز، ناکارآمدی مدیریتی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناترازی انرژی را آشکار کرده و ضمن تخلیه هیجانات، آگاهی و همبستگی عمومی را تقویت می‌کنند.

۱. تمام پیام‌های طنز تحلیل شده در بخش «ناترازی اجتماعی» به‌صورت جداگانه در بخش ضمایم پایان‌نامه ارائه گردیده است.

موضوع اجتماعی: طرح حجاب

بر اساس بررسی دقیق نمونه طنزهای اجتماعی با محوریت «طرح حجاب ۱»، الگوهای معنایی مشترک شناسایی و در قالب مضامین اصلی و فرعی دسته‌بندی شده‌اند. این مضامین از محتوای طنزها استخراج شده و به منظور درک بهتر ابعاد مختلف موضوع، به صورت سیستماتیک سازماندهی شده‌اند.

جدول ۵. مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده (طرح حجاب)

مضمون اصلی	مضمون فرعی	تعداد تکرار
	گسترش بی حد و مرز محدودیت‌ها	5
افراط در قوانین و مقررات	قوانین عجیب و غیرمنطقی	6
	نظارت فراگیر و همه‌جانبه	4
تشبیهات و استعاره‌های طنزآمیز	مقایسه با پدیده‌های روزمره	5
	مقایسه با اشیاء و لوازم	3
	مقایسه با آزمون و امتحان	2
تجاری‌سازی و کالایی شدن	خرید و فروش مجوز	3
	جریمه و مجازات مالی	3
تناقض‌های اجرایی	کسب و کارهای مرتبط با حجاب	2
	ناهماهنگی در اعمال قوانین	4
	ناسازگاری با زندگی واقعی	3
	دور زدن قوانین	3
تأثیر بر روابط اجتماعی	مداخله در زندگی خصوصی	3
	تأثیر بر روابط خانوادگی	2
	محدودیت در انتخاب‌های فردی	3

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که طنزهای مرتبط با طرح حجاب بیش از همه بر «افراط در قوانین و مقررات» تمرکز دارند و با کنایه به محدودیت‌های گسترده و مقررات غیرمنطقی، نارضایتی عمومی را بازتاب می‌دهند. «تشبیهات و استعاره‌های طنزآمیز» با مقایسه طرح حجاب با پدیده‌های روزمره یا بی‌ربط، پیچیدگی موضوع را ساده و مضحک می‌سازند. در کنار آن، مضمون «تجاری‌سازی و کالایی شدن» با اشاره به جریمه‌ها و بازارهای وابسته، سوءاستفاده اقتصادی از این طرح را نقد می‌کند. همچنین «تناقض‌های اجرایی» با نمایش ناهماهنگی‌ها، تفاوت‌های منطقه‌ای و راه‌های دور زدن قوانین، ناکارآمدی رویکردها را برجسته می‌سازد. در نهایت، مضمون «تأثیر بر روابط اجتماعی» با زبانی طنزآمیز به دخالت در زندگی خصوصی و محدودیت انتخاب‌های فردی پرداخته و پیامدهای اجتماعی این طرح را نمایان می‌کند.

مقایسه تطبیقی مضامین

در این بخش به تحلیل و مقایسه تطبیقی مضامین استخراج‌شده از سه حوزه مهم و اثرگذار شامل حوزه سیاسی (با محوریت موضوع «مذاکره با آمریکا»)، حوزه اقتصادی (با تمرکز بر «ناترازی انرژی») و حوزه اجتماعی (در قالب «طرح حجاب») پرداخته می‌شود. هدف از این مقایسه، بررسی وجوه اشتراک و افتراق در الگوهای معنایی، نحوه شکل‌گیری گفتمان‌ها، نوع مواجهه رسانه‌ها، و بازنمایی مسائل در فضای عمومی جامعه است. در هر حوزه، ابتدا مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده، مرور شده و سپس با

۱. تمام پیام‌های طنز بررسی شده در بخش «طرح حجاب» به صورت جداگانه در قسمت ضمایم پژوهش ارائه گردیده است.

رویکردی تطبیقی، نحوه بازنمایی این مضامین در سطح رسانه‌ای، سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌گردد. همچنین تلاش می‌شود تا مشخص شود کدام مضامین دارای بیشترین تکرار، بیشترین بار معنایی، و بیشترین تأثیرگذاری در شکل‌دهی به افکار عمومی بوده‌اند و این‌که چه تفاوت‌هایی در نوع روایت و چارچوب‌بندی هر مسئله در سه حوزه مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۶. مقایسه تطبیقی مضامین اصلی

مضمون مشترک	حوزه اجتماعی	حوزه اقتصادی	حوزه سیاسی
نقد عملکرد مسئولان	افراط در قوانین و مقررات	نقد مدیریت انرژی	بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات
ساده‌سازی مفاهیم پیچیده	تشبیهات و استعاره‌های طنزآمیز	تشبیهات و استعاره‌ها	تشبیهات روزمره (بازی، غذا، سریال)
ناکارآمدی و تناقض	تناقض‌های اجرایی	راهکارهای نامتعارف	تضاد و تعارض منافع
جنبه‌های نمایشی	تجاری‌سازی و کالایی شدن	خودکفایی نمایشی	نمایشی بودن مذاکرات
تأثیر بر زندگی مردم	تأثیر بر روابط اجتماعی	تأثیر بر زندگی روزمره	واکنش مردم به اخبار مذاکرات

۱) **الگوهای مشترک:** در هر سه حوزه، نقد عملکرد مسئولان و ساده‌سازی مفاهیم پیچیده به‌عنوان ابزاری برای بیان انتقادهای جدی در قالب طنز مشاهده می‌شود.

۲) **تفاوت‌های رویکردی:** در حوزه سیاسی، بیشتر بر بی‌فرجامی و تکرار بی‌نتیجه تأکید شده، در حوزه اقتصادی بر راهکارهای نامتعارف و در حوزه اجتماعی بر افراط در اعمال قوانین تمرکز شده است.

۳) **شدت انتقاد:** شدت انتقاد در حوزه اجتماعی (طرح حجاب) و اقتصادی (ناترازی انرژی) نسبت به حوزه سیاسی بیشتر است، که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم این موضوعات بر زندگی روزمره مردم است.

۴) **ساختار زبانی:** در طنزهای سیاسی و اقتصادی، استفاده از استعاره‌های پیچیده‌تر و در حوزه اجتماعی، استفاده از کنایه‌های مستقیم‌تر رایج‌تر است.

تحلیل کیفی مضامین پرتکرار

مضامین پرتکرار در حوزه سیاسی (مذاکره با آمریکا)

بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات: این مضمون در اکثر طنزهای سیاسی به چشم می‌خورد و به تکرار مداوم بدون نتیجه اشاره دارد.

◀ مثال: «همه می‌گن مذاکرات با آمریکا مثل دیدن یک سریال تلویزیونی بی‌پایان شده»

◀ مثال: «دو سه ساعته دودلم و نمی‌دونم نهار کباب سفارش بدم یا الان کوکوسبزی سرد تو یخچال داریم اونو بخورم

یا کلاً صبر کنم عصر که مذاکره تموم شد...»

تشبیهات روزمره: استفاده از مقایسه با موضوعات روزمره برای ملموس‌تر کردن انتقادات.

◀ مثال: «مذاکره با آمریکا مثل بازی سنگ- کاغذ- قیچی: ما می‌گیم سنگ، آمریکا می‌گه کاغذ، و در نهایت همه

می‌بینن که قیچی نظامی‌ها برنده‌ست»

◀ مثال: «سیستم مذاکرات مدل خواستگاری طرفین میرن و عمان هم وسطشون میشینه...»

مضامین پرتکرار در حوزه اقتصادی (ناترازی انرژی)

راهکارهای نامتعارف: این مضمون به راه‌حل‌های غیرعملی و عجیب برای مسئله ناترازی انرژی اشاره دارد.

◀ مثال: «می‌گویند برای حل مشکل ناترازی انرژی باید به هر خانه یک دوچرخه انرژی بدهند تا خودشان پدال بزنند»

◀ مثال: «برای حل ناترازی انرژی، تصمیم گرفتن همه خونه‌ها رو به انرژی بادی تبدیل کنن. فقط یه مشکل داره: باد

هم الان خوابه!»



نقد مدیریت انرژی: این مضمون ناکارآمدی مدیران در مدیریت بحران انرژی را نشان می‌دهد.

◀ مثال: «وقتی برق نیست، اما وزیر می‌گه: ما خودکفاییمون رو حفظ کردیم!... شاید برق هم خودکفاییمون باشه، ولی ماشینش رو بلد نیستیم روشن کنیم»

◀ مثال: «مدیران انرژی می‌گن: ما باید از انرژی خورشیدی استفاده کنیم. ولی وقتی پرسیدم چرا توی شب برق قطع می‌شه، گفتن: چون خورشید نیست!»

مضامین پرتکرار در حوزه اجتماعی (طرح حجاب)

افراط در قوانین و مقررات: این مضمون به زیاده‌روی در وضع قوانین و اجرای آن‌ها اشاره دارد.

◀ مثال: «طبق آخرین اخبار، طرح حجاب به مرحله‌ای رسیده که حتی دوربین‌های مداربسته هم باید حجاب بزنند!»

◀ مثال: «در طرح حجاب، گفته شده که اگر حتی در خانه هم با حجاب نباشید، باید با لباس خواب حجاب‌دار باشید!»

تناقض‌های اجرایی: این مضمون ناهماهنگی در اعمال قوانین و ناسازگاری با واقعیت‌های زندگی را نشان می‌دهد.

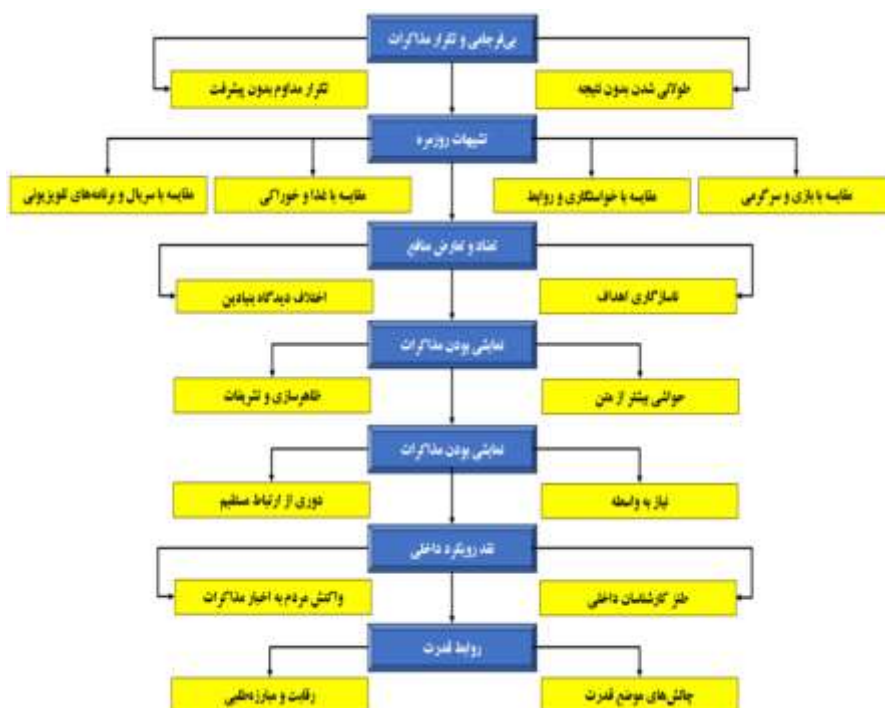
◀ مثال: «طرح حجاب جدید به این شکل است که اگر حتی یه تار مو بیرون باشه، جریمه می‌شید. ولی اگه کلاً بی حجاب باشید، فقط یه اخطار می‌گیرید!»

◀ مثال: «حجاب اجباری مثل ترافیکه: همه می‌دونن که باید رعایت بشه، ولی همه دارن دور می‌زنن»

ترسیم مدل شبکه مضامین

❖ حوزه سیاسی

این شبکه حاصل تحلیل پیام‌های طنز «مذاکره با آمریکا» است. در این تحلیل، مضامین اصلی شامل بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات، تشبیهات روزمره، تضاد و تعارض منافع و غیره شناسایی شده‌اند. هر مضمون اصلی به شاخه‌های فرعی تقسیم شده که جزئیات بیشتری از محتوای طنزها را نشان می‌دهند.



شکل ۱. شبکه مضامین اصلی و فرعی در حوزه سیاسی (مذاکره با آمریکا)

❖ حوزه اقتصادی

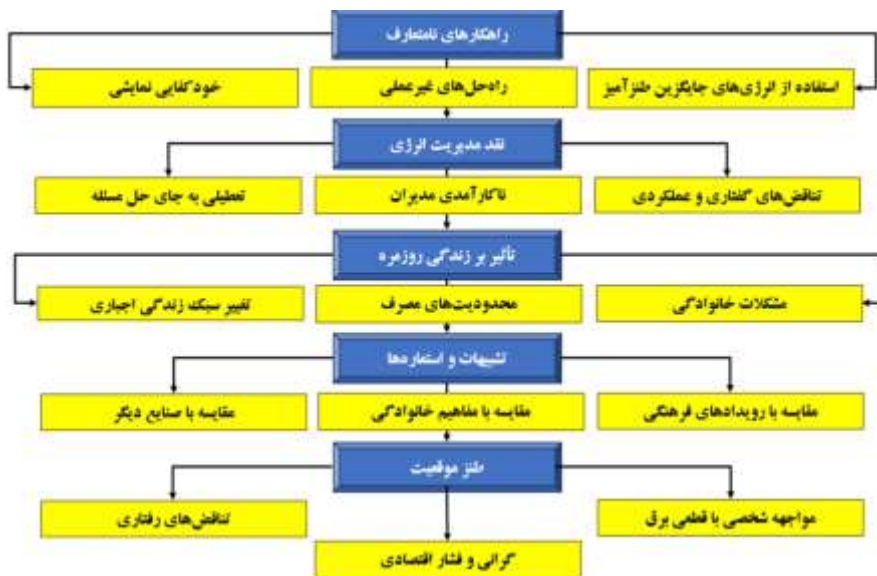
این نمودار حاصل تحلیل مضامین اصلی و فرعی در خصوص موضوع «ناترازی انرژی» است که با بررسی دقیق طنزها، الگوهای معنایی مشترک شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. شبکه شامل راهکارهای نامتعارف، نقد مدیریت انرژی، تأثیر بر زندگی روزمره، تشبیهات و استعاره‌ها و طنز موقعیت است که هر مضمون به شاخه‌های فرعی تقسیم شده و برجستگی آن‌ها در گفتمان طنز مشخص شده است.



شکل ۲. شبکه مضامین اصلی و فرعی در حوزه اقتصادی (ناترازی انرژی)

❖ حوزه اجتماعی

این شبکه حاصل تحلیل مضامین اصلی و فرعی استخراج شده از طنزهای اجتماعی در خصوص موضوع «طرح حجاب» است. در این تحلیل، مضامین اصلی شامل افراط در قوانین و مقررات، تشبیهات و استعاره‌های طنزآمیز، تجاری‌سازی و کالایی شدن، تناقض‌های اجرایی و تأثیر بر روابط اجتماعی شناسایی شده‌اند. هر مضمون اصلی به شاخه‌های فرعی تقسیم شده که جزئیات بیشتری از محتوای طنزها را نشان می‌دهند. این شبکه به منظور سازمان‌دهی و مرتب‌سازی الگوهای معنایی مشترک در طنزها طراحی شده است.



شکل ۳. شبکه مضامین اصلی و فرعی در حوزه اجتماعی (طرح حجاب)



تحلیل تکنیک‌های زبانی و بلاغی

استعاره: در هر سه حوزه، استعاره نقش مهمی در آسان‌سازی درک مفاهیم پیچیده دارد. در حوزه سیاسی، مذاکرات به «بازی کنسول» تشبیه شده که نشان‌دهنده پیچیدگی با نتیجه از پیش تعیین شده است. در حوزه اقتصادی، «دم‌نوش‌ها» به‌عنوان موجوداتی زنده تصویر شده‌اند که به فکر راه‌حل هستند، و در حوزه اجتماعی، «حجاب» به «آفتاب‌پرست» تشبیه شده که نشان‌دهنده تغییر ظاهری بدون تغییر ماهیت است.

کنایه: کنایه در طنزهای اجتماعی مستقیم‌تر و در طنزهای سیاسی و اقتصادی پوشیده‌تر است. در نمونه‌های سیاسی، کنایه به عدم صداقت طرف مقابل اشاره دارد، در حوزه اقتصادی به ناکارآمدی مدیریت، و در حوزه اجتماعی به سخت‌گیری‌های بیش از حد.

اغراق: اغراق به‌عنوان یک تکنیک پرکاربرد در هر سه حوزه، نقش مهمی در برجسته‌سازی انتقادها دارد؛ به‌خصوص در حوزه اجتماعی، اغراق در توصیف گستره اجرای قوانین به اوج خود می‌رسد.

طنز موقعیت: این تکنیک در هر سه حوزه به نمایش تناقض‌های موجود می‌پردازد و عدم تطابق بین گفتار و عمل را برجسته می‌کند.

آیرونی^۱

استفاده از آیرونی در هر سه حوزه به‌منظور نشان دادن تناقض بین ظاهر و واقعیت است. در حوزه سیاسی، آیرونی در «انتخاب روزنامه‌نگار به جای توافق» نمود پیدا کرده، در حوزه اقتصادی در «تعطیلی به جای حل مسئله»، و در حوزه اجتماعی در «پازل پیچیده حجاب».

جدول ۷. تکنیک‌های زبانی و بلاغی در سه حوزه

تکنیک بلاغی	حوزه سیاسی	حوزه اقتصادی	حوزه اجتماعی
استعاره	«مذاکره با آمریکا مثل بازی کنسول قدیمی است»	«در این وضعیت ناترازی انرژی حتی دم‌نوش‌ها هم به فکر استفاده از انرژی سبز افتادند»	«حجاب اجباری مثل آفتاب‌پرستیه: وقتی می‌خواهی آزاد باشی، یه کلاه می‌کشی رو سرت»
کنایه	«اما با آمریکا مذاکره می‌کنیم، ولی آمریکا همیشه آخرین قهوه‌اش رو تموم می‌کنه!»	«انرژی رفتن برای تابستون ما از قطب جنوب یخ بیارن»	«می‌گویند در طرح جدید اگر موها را ببینند جریمه می‌شود!»
اغراق	«توی این چند روز این قدر گفتند مذاکره در مسقط شروع می‌شود... هوس مسقطی کردم»	«برای حل مشکل ناترازی انرژی باید به هر خانه یک دوچرخه انرژی بدهند تا خودشان پلال بزنند»	«طرح حجاب الان به مرحله‌ای رسیده که حتی پرده‌های خونه‌ها هم باید حجاب بزنن»
طنز موقعیت	«همیشه باید با دو دکمه فشار بدید و یک دکمه هم برای باخت دارید»	«وقتی برق نیست، اما وزیر می‌گه: اما خودکفاییمون رو حفظ کردیم!»	«این روزها دیگه هرکی می‌خواد زن بگیره قبلش باید بره خلافتی حجابش رو هم بگیره»
آیرونی	«در مذاکرات با آمریکا، به جای توافق، بهترین روزنامه‌نگارها برای هر طرف انتخاب شدند»	«از اتاق فرمان اشاره می‌فرمان تعطیلی باید تو تقدیرت باشه نه در تقویمت»	«حجاب جدید مثل یه پازله: باید تمام قسمت‌هاش درست جا بیفته تا کسی نتونه چیزی رو ببینه»

۱. Irony: آیرونی شگردی بلاغی است که معنای ظاهری با معنای واقعی در تضاد است و نقدی طنزآمیز را القا می‌کند. کنایه (sarcasm یا implication) بیانی صریح‌تر و گزنده‌تر با هدف طعنه آشکار دارد. آیرونی ظریف‌تر و غیرمستقیم است، در حالی که کنایه مستقیم‌تر عمل می‌کند (صادقی و توکلی، ۱۳۹۸: ۷۹). در این پژوهش، آیرونی در تشبیهات و تناقض‌های طرح حجاب برای نقد زیرکانه به کار رفته است.

کارویژه‌های طنز در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی

نقد قدرت

کارویژه نقد قدرت در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر افشای ناکارآمدی و تناقض‌های نهادهای قدرت متمرکز است. در سیاست، با مضمون «بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات» ناتوانی دیپلماتیک را با استعاره‌هایی چون «سریال بی‌پایان» به سخره می‌گیرد. در اقتصاد، از طریق «نقد مدیریت انرژی» تصمیمات غیرمنطقی مدیران را با طنز تلخ نشان می‌دهد، مانند تشبیه خودکفایی به «ماشینی که بلد نیستیم روشن کنیم». در اجتماع نیز با مضمون «افراط در قوانین و مقررات» شدت مداخله را برجسته کرده و با اغراق‌هایی چون «حجاب برای دوربین‌های مداربسته»، قوانین غیرمنطقی را نقد می‌کند. در مجموع، طنز در حوزه اجتماعی صریح‌تر و مستقیم‌تر است، در حالی که در حوزه سیاسی بیشتر به استعاره‌های غیرمستقیم متکی است.

کم‌اثرسازی: کارویژه کم‌اثرسازی با طنز و ساده‌سازی، فشار روانی موضوعات پیچیده را کاهش می‌دهد. در سیاست، با تشبیه مذاکرات به امور پیش‌پاافتاده مانند «بازی سنگ- کاغذ- قیچی»، جدیت آن کم‌رنگ می‌شود. در اقتصاد، با استعاره‌های طنزآمیز مانند «وابستگی انرژی به باد خواب»، بحران‌ها غیرواقعی و خنده‌دار جلوه می‌کنند. در اجتماع نیز قوانین سختگیرانه‌ای چون حجاب با قیاس طنزآمیز به «پازل پیچیده»، غیرمنطقی و قابل تمسخر نشان داده می‌شوند. این شیوه، فاصله عاطفی ایجاد کرده و مواجهه سبک‌تری با مسائل فراهم می‌کند.

آرامش‌بخشی: کارویژه آرامش‌بخشی از زاویه ملموس‌سازی مسائل با پیوند به تجربه‌های روزمره، حس کنترل و آرامش را در مخاطب تقویت می‌کند. در حوزه سیاسی، مضمون «تشبیهات روزمره» با قیاس مذاکرات به موقعیت‌های آشنا، اضطراب سیاسی را کاهش می‌دهد. مثلاً پیامی که مذاکرات را به «سیستم خواستگاری» تشبیه کرده و عمان را واسطه می‌داند، با طنزی ملایم، پیچیدگی دیپلماتیک را به تجربه‌ای روزمره و قابل فهم تبدیل می‌کند. در حوزه اقتصادی، مضمون «تأثیر بر زندگی روزمره» با شوخی درباره محدودیت‌های ناشی از ناترازی انرژی، سختی‌ها را قابل تحمل‌تر نشان می‌دهد. نمونه‌ای از این کارویژه، پیامی است که قطعی برق را به «تصمیم بین کباب یا کوکوسبزی» تشبیه کرده و با طنز، فشار محدودیت‌ها را به انتخابی روزمره تقلیل می‌دهد. در حوزه اجتماعی، مضمون «تشبیهات و استعاره‌های طنزآمیز» با مقایسه قوانین حجاب به موقعیت‌های روزمره، فشار نظارت را ملایم‌تر جلوه می‌دهد. پیامی که طرح حجاب را به «آزمون آداب معاشرت» تشبیه کرده، با طنز، نظارت افراطی را به امری آشنا و کمتر تهدیدآمیز تبدیل می‌کند. این کارویژه، با ایجاد حس نزدیکی، تنش‌های روانی را کاهش می‌دهد.

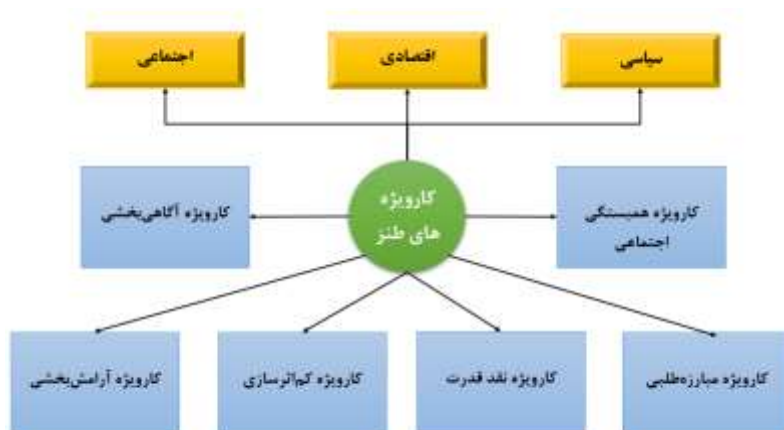
آگاهی‌بخشی: کارویژه آگاهی‌بخشی با طنز و افشای تناقض‌ها، درک مخاطب را عمیق‌تر می‌کند. در سیاست، با اشاره به تعارض منافع مذاکره‌کنندگان و تشبیه به «بازی سنگ- کاغذ- قیچی»، بن‌بست دیپلماتیک را نشان می‌دهد. در اقتصاد، با طعنه به فاصله بین وعده و عمل، ناکارآمدی مدیریت انرژی را آشکار می‌سازد. در اجتماع نیز با برجسته کردن ناهماهنگی در اجرای قوانین، مانند تفاوت مجازات بی‌حجابی، تناقض‌ها را نمایان می‌کند. این رویکرد مخاطب را به تأمل و درک واقعیت‌های پنهان دعوت می‌کند.

همبستگی اجتماعی: کارویژه همبستگی اجتماعی از زاویه خلق تجربه‌های مشترک و قابل هم‌ذات‌پنداری، حس همدلی را میان مخاطبان تقویت می‌کند. در حوزه سیاسی، مضمون «نقد رویکرد داخلی» با شوخی درباره واکنش مردم به اخبار مذاکرات، تجربه سرخوردگی جمعی را بازتاب می‌دهد. مثلاً پیامی که مذاکرات را به «سریال بی‌پایان» تشبیه کرده، با طنز، حس مشترکی از انتظار بی‌ثمر را میان مخاطبان ایجاد می‌کند. در حوزه اقتصادی، مضمون «تأثیر بر زندگی روزمره» با طنز درباره مشکلات ناشی از ناترازی انرژی، حس اشتراک در سختی‌ها را تقویت می‌کند. پیامی که قطعی برق را به «تصمیم بین کباب یا کوکوسبزی» تشبیه کرده، با طنز موقعیت، تجربه مشترک محدودیت‌ها را به اشتراک می‌گذارد. در حوزه اجتماعی،



مضمون «تأثیر بر روابط اجتماعی» با اشاره به مداخله در زندگی خصوصی، فشارهای اجتماعی را به تجربه‌ای جمعی تبدیل می‌کند. نمونه‌ای از این کارویژه، پیامی است که می‌گوید «حجاب اجباری مثل ترافیک است: همه می‌دانند باید رعایت کنند، ولی همه دور می‌زنند»، و با طنز، حس همدلی در برابر فشارهای اجتماعی را ایجاد می‌کند. این کارویژه، گفتمانی جمعی را ترویج می‌دهد.

مبارزه طلبی: کارویژه مبارزه طلبی با طنز، هنجارهای ناکارآمد را به چالش می‌کشد و نوعی مقاومت فرهنگی در برابر وضع موجود ایجاد می‌کند. در سیاست، با کنایه به «نمایشی بودن مذاکرات» مانند دوچرخه‌ای بی حرکت، وعده‌های توخالی را نقد می‌کند. در اقتصاد، با شوخی درباره راهکارهای غیرعملی همچون انرژی بادی، ناکارآمدی را افشا می‌کند. در اجتماع نیز با طنز درباره دور زدن قوانین، مثل تشبیه حجاب اجباری به ترافیک، مقاومت زیرکانه را نشان می‌دهد. این کارویژه انگیزه اصلاح و مقابله با ناکارآمدی‌ها را تقویت می‌کند.



شکل ۴. کارویژه‌های طنز در فضای مجازی

تأثیرات متقابل مضامین: بررسی ارتباط بین سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

تحلیل تأثیرات متقابل مضامین در سه حوزه سیاسی (مذاکره با آمریکا)، اقتصادی (ناترازی انرژی) و اجتماعی (طرح حجاب) نشان می‌دهد که این حوزه‌ها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات متقابل از طریق الگوهای مشترک، شدت انتقادات، و نحوه استفاده از زبان طنز در هر حوزه قابل بررسی است.

الگوهای مشترک در سه حوزه

نقد عملکرد مسئولان: در هر سه حوزه، نقد عملکرد مسئولان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مضامین شاخص است.

در هر سه حوزه به‌عنوان یک کارکرد اصلی طنز برجسته است و از زاویه افشای ناکارآمدی و ضعف تصمیم‌گیری عمل می‌کند. در حوزه سیاسی، مضمون «بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات» با نمونه‌ای مانند «مذاکرات مثل سریال تلویزیونی بی‌پایان»، ناتوانی دیپلماتیک را با کنایه نقد می‌کند. در حوزه اقتصادی، مضمون «نقد مدیریت انرژی» با پیامی که می‌گوید «وزیر ادعای خودکفایی می‌کند، ولی ماشین خودکفایی روشن نمی‌شود»، ناکارآمدی مدیران را به‌سخره می‌گیرد. در حوزه اجتماعی، مضمون «افراط در قوانین و مقررات» با طنزی مانند «حتی دوربین‌های مداربسته باید حجاب بزنند»، زیاده‌روی در قانون‌گذاری را هدف قرار می‌دهد. این کارکرد، نارضایتی عمومی از عملکرد مسئولان را در قالب طنز بازتاب می‌دهد.

ساده‌سازی مفاهیم پیچیده: استفاده از ساده‌سازی مفاهیم پیچیده در هر سه حوزه به‌منظور ملموس‌تر کردن انتقادات رایج است.

این محور، به‌عنوان یک کارکرد کلیدی طنز، از زاویه ملموس‌سازی مسائل پیچیده با استفاده از تشبیهات عمل می‌کند و جایگزین تعبیر نادقیق «استفاده از تشبیهات روزمره» شده است. در حوزه سیاسی، مذاکرات با آمریکا به «بازی»، «خواستگاری»

یا حتی «سریال تلویزیونی» تشبیه شده است. در حوزه اقتصادی، «ناترازی انرژی» به «زلزله‌شناسی» یا «دمنوش‌های هوشمند» تشبیه شده است. در حوزه اجتماعی، «طرح حجاب» به «آزمون آداب معاشرت» یا «آفتاب‌پرستی» مقایسه شده است. این تشبیهات نه تنها مفاهیم پیچیده را ساده‌تر می‌کند، بلکه به مردم کمک می‌کنند تا از طریق تجربیات روزمره خود با موضوعات ارتباط برقرار کنند. این کارکرد، با ساده‌سازی، به مخاطب کمک می‌کند تا مسائل را از منظری قابل درک‌تر ببیند.

شدت انتقادات و تأثیر بر زندگی روزمره: شدت انتقاد در حوزه اجتماعی (طرح حجاب) و اقتصادی (ناترازی انرژی) نسبت به حوزه سیاسی بیشتر است، که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم این موضوعات بر زندگی روزمره مردم است. این بخش تأثیرات ملموس مسائل بر زندگی مردم را نشان می‌دهد و از زاویه هم‌ذات‌پنداری با مخاطب عمل می‌کند. در حوزه اقتصادی، «تأثیر بر زندگی روزمره» و «مشکلات خانوادگی» ناشی از ناترازی انرژی نشان‌دهنده فشارهای اقتصادی است. در حوزه اجتماعی، «تأثیر بر روابط اجتماعی» و «مداخله در زندگی خصوصی» نشان می‌دهد که قوانین اجباری چقدر به روابط فردی و خانوادگی آسیب می‌زنند. در مقابل، طنزهای سیاسی که به موضوعاتی مانند «مذاکره با آمریکا» می‌پردازند، تأثیر غیرمستقیم‌تری دارند و به همین دلیل انتقادات در این حوزه کمتر صریح هستند. این کارکرد، حس اشتراک تجربه را تقویت می‌کند.

تناقض‌ها و ناهماهنگی‌ها: در هر سه حوزه، تناقض‌ها و ناهماهنگی‌ها بین گفتار و عمل مسئولان به‌عنوان یکی از مضامین اصلی شناسایی شده است. این محور از زاویه افشای فاصله بین ادعا و واقعیت عمل می‌کند و تناقض‌های سیاستی را نقد می‌کند. در حوزه سیاسی، مضمون «تضاد و تعارض منافع» با نمونه‌ای مانند «مذاکرات مثل بازی سنگ- کاغذ- قیچی که قیچی نظامی‌ها برنده است»، ناسازگاری اهداف را با کنایه نشان می‌دهد. در حوزه سیاسی، «تضاد و تعارض منافع» و «نمایشی بودن مذاکرات» نشان‌دهنده تناقض بین اظهارات دولت و واقعیت است. در حوزه اقتصادی، «تعطیلی به جای حل مسئله» نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها گاهی فقط برای نمایش انجام می‌شود. در حوزه اجتماعی، «دور زدن قوانین» و «ناهماهنگی در اعمال قوانین» نشان می‌دهد که قوانین اجباری چقدر با واقعیت زندگی مردم سازگار نیستند. این کارکرد، ناسازگاری‌های سیاستی را با طنز برجسته می‌سازد.

جنبه‌های نمایشی و تجاری‌سازی: در هر سه حوزه، جنبه‌های نمایشی و تجاری‌سازی موضوعات نقش مهمی دارد.

این بخش، از زاویه نقد اقدامات ظاهری و منفعت‌طلبانه عمل می‌کند. در حوزه سیاسی، مضمون «نمایشی بودن مذاکرات» با نمونه‌ای مانند «مذاکرات مثل مستطی که هوشش را کردیم»، به حواشی و ظاهرسازی کنایه می‌زند. در حوزه سیاسی، «نمایشی بودن مذاکرات» و «ظاهرسازی و تشریفات» نشان‌دهنده این است که تصمیم‌گیری‌ها گاهی بیشتر برای نمایش است. در حوزه اقتصادی، «خودکفایی نمایشی» و «طنز موقعیت» نشان می‌دهد که مدیران گاهی برای پوشاندن ناتوانی‌ها، اظهارات بزرگ‌تر از واقعیت ارائه می‌دهند. در حوزه اجتماعی، «تجاری‌سازی و کالایی شدن» نشان می‌دهد که قوانین اجباری چطور به فرصتی برای کسب درآمد تبدیل شده‌اند. این کارکرد، انگیزه‌های غیرصادقانه پشت اقدامات را آشکار می‌کند.

جدول ۸. تحلیل تأثیرات متقابل مضامین

محور تأثیر	حوزه سیاسی	حوزه اقتصادی	حوزه اجتماعی
نقد عملکرد مسئولان	بی‌فرجامی و تکرار مذاکرات	نقد مدیریت انرژی	افراط در قوانین و مقررات
تأثیر بر زندگی روزمره	واکنش مردم به اخبار مذاکرات	تأثیر بر زندگی روزمره	تأثیر بر روابط اجتماعی
ساده‌سازی مفاهیم پیچیده	تشبیه مذاکرات به سریال، بازی و خواستگاری	تشبیهات زلزله‌شناسی، دمنوش	تشبیهات آفتاب‌پرستی، آزمون
تناقض‌ها و ناهماهنگی‌ها	تضاد و تعارض منافع	تعطیلی به جای حل مسئله	ناهماهنگی در اعمال قوانین
جنبه‌های نمایشی و تجاری‌سازی	نمایشی بودن مذاکرات	خودکفایی نمایشی	تجاری‌سازی و کالایی شدن

تحلیل طنزهای سیاسی و اجتماعی در توییتر و تلگرام نشان داد که این طنزها در موضوعاتی چون مذاکره با آمریکا و طرح حجاب، ناکارآمدی‌های سیاسی و اجتماعی را با مضامینی همچون بی‌فرجامی مذاکرات، تشبیهات روزمره، تناقض‌های اجرایی و افراط در قوانین به نقد می‌کشند. در بحث مذاکره با آمریکا، طنزها با استعاره‌ها و کنایه‌هایی مانند «سریال بی‌پایان» یا «بازی سنگ- کاغذ- قیچی»، بن‌بست دیپلماتیک و تضاد منافع را ساده‌سازی کرده و سرخوردگی عمومی را بازتاب دادند. این یافته با نظریه ناسازگاری (Attardo, 2008) که طنز را محصول عدم تجانس بین انتظارات و واقعیت می‌داند، همسوست. مضامین «بی‌فرجامی» و «نمایشی بودن» دقیقاً این شکاف را نشان می‌دهند. در حوزه حجاب نیز طنزها با تشبیهاتی مانند «حجاب مثل آفتاب‌پرست» یا «جریمه برای یک تار مو»، بر تناقض‌های اجرایی و تأثیر قوانین بر زندگی خصوصی تأکید کردند. این موارد، کارویژه «نقد قدرت» را در چارچوب نظریه برتری (Critchley, 2002) محقق می‌سازد، جایی که طنز امکان موقتی چیرگی بر ساختارهای سلطه را فراهم می‌کند. کارویژه‌های اصلی طنز در این بستر شامل نقد قدرت، آگاهی‌بخشی، همبستگی اجتماعی و کاهش فشار روانی بود که به تقویت گفت‌وگوی اجتماعی کمک کرد. یافته‌ها با پژوهش‌های ذکایی و ویسی (۱۴۰۰) درباره نقد ناکارآمدی‌های اجتماعی و ایجاد همبستگی، و نیز مختاری و بهار (۱۴۰۰) درباره مقاومت فرهنگی همسوست، اما این مطالعه با تمرکز بر توییتر و تلگرام، نقش آبرونی و زبان طنز را در کاهش فشار روانی برجسته‌تر ساخت. همچنین نتایج با مطالعات جدیدتری مانند یانگ و جیانگ (۲۰۱۵) درباره نقد قدرت و همبستگی، و لی (۲۰۱۶) درباره تاکتیک‌های بقای طنز در فضای سانسور مشابهت دارد؛ اما، ویژگی بومی این پژوهش نشان داد که طنز در ایران بیش از هر چیز به ساده‌سازی مسائل و آشکارسازی ناکارآمدی‌ها می‌پردازد.

۶- نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده نشان داد که طنزهای منتشر شده در فضای مجازی ایران، به‌ویژه در پلتفرم‌هایی چون توییتر و تلگرام، با بهره‌گیری از تکنیک‌های زبانی و بلاغی همچون استعاره، کنایه، اغراق، طنز موقعیت و آبرونی، توانسته‌اند روایتی متفاوت، مؤثر و انتقادی از مسائل جاری کشور ارائه دهند. در پاسخ به سوال اصلی پژوهش مبنی بر «کارویژه‌های طنز سیاسی در شبکه‌های اجتماعی ایران چیست؟»، می‌توان پنج کارویژه اصلی را برشمرد: ۱) نقد غیرمستقیم قدرت و افشای ناکارآمدی، ۲) آگاهی‌بخشی و عمق‌بخشی به درک عمومی از مسائل پیچیده، ۳) ایجاد همبستگی اجتماعی از طریق خلق تجربه‌های مشترک طنزآمیز، ۴) کاهش فشار روانی و آرامش‌بخشی با ساده‌سازی و ملموس‌سازی بحران‌ها، و ۵) مقاومت نرم و مبارزه‌طلبی فرهنگی در برابر هنجارهای تحمیلی. این کارویژه‌ها در سه حوزه مورد مطالعه به شکل‌های مختلفی ظهور یافتند. در حوزه سیاسی، موضوع «مذاکره با آمریکا» بیش از هر چیز با مضامینی چون «بی‌فرجامی مذاکرات»، «نمایشی بودن فرآیندها»، و «تشبیهات روزمره و ملموس» به تصویر کشیده شده است. طنزهایی که با ساده‌سازی مفاهیم پیچیده سیاسی، به‌ویژه با مقایسه مذاکرات به سریال‌های بی‌پایان یا مراسم خواستگاری، نوعی نقد غیرمستقیم نسبت به تکرار بی‌نتیجه روندهای دیپلماتیک و بی‌اعتمادی عمومی به تصمیم‌گیرندگان سیاسی را بازتاب می‌دهند در حوزه اقتصادی، بحران «ناترازی انرژی» به‌عنوان یکی از ملموس‌ترین مشکلات حال حاضر کشور، در قالب طنزهایی مورد بازنمایی قرار گرفته است که بر ناکارآمدی مدیریتی، ارائه راهکارهای غیرعملی و تأثیرات عینی این بحران بر زندگی روزمره تأکید دارند. مضامینی چون «راهکارهای نامتعارف»، «خودکفایی نمایشی» و «نقد عملکرد مسئولان» در این حوزه بسیار برجسته بوده‌اند. طنزها در این بخش، از دل تجربه‌های واقعی جامعه برخاسته‌اند و تلاش کرده‌اند با استفاده از طنز موقعیت، اغراق و مقایسه‌های ملموس، شکاف میان وعده‌ها و واقعیت را برجسته کنند. بازنمایی خاموشی‌ها، افزایش هزینه‌ها و سردرگمی مدیریتی در این طنزها، نقش مهمی در ایجاد

نوعی آگاهی عمومی نسبت به ضعف ساختار اجرایی داشته است. بحران «ناترازی انرژی» و در حوزه اجتماعی، طرح «حجاب» در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد طنز سیاسی در فضای مجازی ایران، فراتر از کارکرد سرگرمی، به ابزاری چندوجهی برای مشارکت مدنی، شکل‌دهی گفتمان انتقادی و بیان اعتراض در شرایط محدودیت رسانه‌ای تبدیل شده است. طرح «حجاب» به‌عنوان مسئله‌ای مرتبط با سبک زندگی و آزادی‌های فردی، بیشترین و صریح‌ترین نقد طنزآمیز را برانگیخته است. مضامینی چون افراط در قوانین، تناقض‌های اجرایی، تجاری‌سازی و تأثیر بر روابط اجتماعی، با کنایه‌های مستقیم، اغراق و تشبیه‌های ساده بازنمایی شده و فشار ناشی از محدودیت‌های سخت‌گیرانه را نشان داده‌اند. مقایسه سه حوزه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیانگر آن است که با وجود تفاوت مضامین، اشتراکاتی همچون نقد مسئولان، تضاد گفتار و عمل، ساده‌سازی مسائل پیچیده و اعتراض غیرمستقیم در همه حوزه‌ها مشترک است. شدت و صراحت طنز در حوزه اجتماعی و اقتصادی بیش از سیاسی است، زیرا تجربه روزمره مردم با این مسائل مستقیم‌تر است؛ در حالی که، طنزهای سیاسی بیشتر از استعاره‌های غیرمستقیم بهره می‌گیرند. طنز در این پژوهش نه صرفاً ابزاری سرگرم‌کننده، بلکه بستری برای مقاومت نرم، شکل‌دهی به گفتمان انتقادی و تخلیه هیجانات اجتماعی معرفی شد. کارویژه‌هایی چون نقد قدرت، آگاهی‌بخشی، آرامش‌بخشی، همبستگی اجتماعی و مبارزه‌طلبی در آن دیده می‌شود. در نهایت، طنز در فضای مجازی ایران به رسانه‌ای مهم برای شکل‌گیری افکار عمومی، تفسیر بحران‌ها و بیان اعتراضات بدل شده و به‌عنوان زبان جایگزین، فضای انتقادی جامعه را زنده نگه داشته و امکان گفت‌وگویی غیررسمی اما تأثیرگذار را فراهم کرده است.

بررسی تطبیقی طنزهای دو پلتفرم نشان می‌دهد که تفاوت‌های شکلی معناداری میان آن‌ها وجود دارد. طنزهای توییتر به دلیل محدودیت کاراکتری، فشرده‌تر و متکی بر زیرکی کلامی هستند؛ در حالی که، طنزهای تلگرام فضای بیشتری برای توضیح و تحلیل دارند. از لحاظ تعاملی، توییتر امکان انتشار سریع‌تر و گسترده‌تر را فراهم می‌کند، اما تلگرام فضای منسجم‌تری برای مطالب تولید می‌کند. با این حال، محتوای اصلی و اهداف طنزهای هر دو پلتفرم مشترک است. هر دو بر نقد عملکرد مسئولان، نمایش تناقض‌های نظام و بیان نگرانی‌های جامعه متمرکزند. در نتیجه، اگرچه شکل و سبک طنزها متفاوت است، اما ماهیت و پیام اصلی آن‌ها یکسان بوده و از نیازهای مشترک جامعه برای بیان انتقاد نشأت می‌گیرد.



- بابایی، محمد؛ و احمدی‌راد، پروانه. (۱۳۹۸). تحلیل مضامین توییت‌های جریان‌های سیاسی ایران در حوادث دی ۱۳۹۶. فصلنامه علوم خبری، ۸(۳۰)، ۱۰۱-۱۲۶.
- بهزادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران: پژوهشی در ادبیات اجتماعی، سیاسی، انتقادی. انتشارات نوبهار.
- تربتی، سروناز؛ و مهدوی، امین. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق هسته‌ای؛ بازنمایی توافق هسته‌ای در جوک فارسی. مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۵)، ۱۱۳-۱۴۸.
- حسینی، فاطمه سادات؛ و ذکایی، محمد سعید. (۱۴۰۰). سبک‌های نوشتاری توییت‌های انتقادی در میان کاربران ایرانی. فصلنامه علمی رسانه، ۳۲(۴)، ۳۱-۵۱.
- ذکایی، محمد سعید؛ و ویسی، سیمین. (۱۴۰۱). فهم ساختار عاطفی جامعه ایرانی از دریچه فضای مجازی: به‌سوی ارائه یک نظریه. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۱۳(۱)، ۲۷-۵۵.
- رضی‌پور، پرنیا. (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناختی صفحات طنز اینستاگرامی. نشریه آفاق علوم انسانی، ۶(۶۰)، ۳۶-۱۵.
- شریف‌خدایی، مجید. (۱۴۰۱). سبک‌های اجتماعی طنز دراماتیک. فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۶(۴۱)، ۷۳-۵۷.
- صادقی، مه‌ری. (۱۳۹۶). تحلیل محتوای طنز شبکه‌های اجتماعی در ایران، مطالعه موردی تلگرام. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته علوم ارتباطات اجتماعی، مؤسسه آموزش عالی سبز.
- طاوولی، مدرس؛ خیابانی، شهرام؛ مدرسی، بهرام؛ و محسنی‌هنجی، فریده. (۱۴۰۱). طنز در دوره بحران؛ طنزهای مربوط به بیماری کووید ۱۹ از منظر نظریه عمومی طنز کلامی. نشریه علم زبان، ۸(۱۴)، ۳۱-۵۶.
- قوام، ابوالقاسم؛ و تجرّی، نیما. (۱۳۸۸). واژه طنز چگونه و از چه زمانی اصطلاح شد؟. تاریخ ادبیات، ۲(۳)، ۱۸۷-۱۶۷.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ و آدی‌بیک، آرزو. (۱۳۸۸). تلفن همراه به‌عنوان رسانه مکتوب: مطالعه‌ای گفتمانی از متون طنز پیام کوتاه فارسی. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۷(۴)، ۱۹۸-۱۷۵.
- مختاری، بردیا؛ و بهار، مه‌ری. (۱۴۰۰). سنخ‌شناسی طنز مجازی ایرانیان با تأکید بر محتوای منتشر شده در دوران گسترش ویروس کرونا. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۷(۶۳)، ۸۱-۱۰۱.
- مشعوف، هنگامه؛ و کرمی‌رباطی، فرشته. (۱۴۰۱). تحلیل محتوای جوک‌های بیماری کرونا در شبکه‌های اجتماعی واتس‌آپ و تلگرام. جامعه فرهنگ رسانه، ۱۱(۴۲)، ۲۱۳-۲۳۶.

- Attardo, Salvatore (2008). Semantics and Pragmatics of Humor. In *The Oxford Handbook of Computational Linguistics* (pp. 316-333). Oxford University Press, Virginia, & Clarke, Victoria (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Casero-Ripolles, Andreu (2018). Research on political information and social media: key points and challenges for the future. *Profesional de la Informacion*, 27(5), 964-974.
- Chilton, Paul (2004). *Analysing Political Discourse: Theory and Practice*. Routledge.
- Chilton, Paul, & Schaffner, Christina (1997). Discourse and Politics. In T. A. van Dijk (Ed.), *Discourse as Social Interaction* (pp. 206-230). Sage.
- Critchley, Simon (2002). *On Humour*. Routledge.
- Halsall, Robert (2002). Political Satire and the Court of Public Opinion. *Journal of Contemporary History*, 37(1), 85-96.
- Hart, Roderick P. (2007). *Modern Rhetorical Criticism* (3rd ed.). Pearson.

- ◀ Jones, John, & Wareing, Shan (1999). *Language and Politics: A Critical Introduction*. Palgrave Macmillan.
- ◀ Lee, Francis Lap Fung (2014). The impact of online user-generated satire on young people's political attitudes: Testing the moderating role of knowledge and discussion. *Telematics and Informatics*, 31(3), 397–409.
- ◀ Lee, Sang-Yeon (2016). Surviving Online Censorship in China: Three Satirical Tactics and Their Impact. *The China Quarterly*, 228, 1061–1080.
- ◀ Luqiu, Luwei Rose (2017). The cost of humour: Political satire on social media and censorship in China. *Global Media and Communication*, 13(2), 123-138.
- ◀ Paletz, David L. (1990). Political Humor and Authority: From Support to Subversion. *International Political Science Review*, 11(4), 483-493.
- ◀ Peifer, Jason T. (2012). The Power of Political Satire: Examining Its Effects and Implications. *Communication Studies*, 63(2), 199-217.
- ◀ Shao, Lu, & Liu, Ding (2019). The Road to Cynicism: The Political Consequences of Online Satire Exposure in China. *Political Studies*, 67(2), 517-536.
- ◀ Shehata, Samer S. (1992). Political Jokes in Authoritarian Regimes. *International Journal of Middle East Studies*, 24(2), 207-222.
- ◀ Yang, Guobin, & Jiang, Min (2015). The networked practice of online political satire in China: Between ritual and resistance. *International Communication Gazette*, 77(3), 215–231.

